جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
شنبه ■ ۲۵ مهر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۴۴

رونمایی از ۲ آلبوم «۱۰۰۱ شب» و «۱۰۰۲ شب»

آیین رونمایی از دو آلبوم موسیقی «۱۰۰۱ شب» و «۱۰۰۲ شب» از آثار همایون مجدزاده، آهنگساز و نوازنده گیتارالکتریک شامگاه بیست‌وسوم مهرماه با حضور هنرمندان، اهالی رسانه و... در سالن جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این مراسم کیان حجازی، مهدی تفکری، محمدرضا نوری و همایون مجدزاده درباره ویژگی‌های موسیقایی این دو آلبوم، روند شکل‌گیری و انتشار آنها، تجربه‌های هنری مجدزاده و چالش‌های فعالیت در حوزه موسیقی راک و متال سخن گفتند. همایون مجدزاده با اشاره به این‌که هر دو آلبوم بی‌کلام هستند، توضیح داد که ۱۰۰۱ شب در سال ۱۳۸۴ و با استفاده از امکانات محدود نرم‌افزاری آن دوره ساخته شده است. به گفته او، در آن زمان برای تولید صداهای سینتی سایزری و درامز الکترونیک از ابزارهایی ابتدایی استفاده می‌شد و ترکیب این صداها با گیتار الکتریک، به‌تدریج فضای موسیقایی آلبوم را شکل داد. او افزود که آشنایی بیشتر با نرم‌افزارهای موسیقی، زمینه تجربه‌های تازه‌ای را در آهنگسازی و صداسازی برای او فراهم کرد. مجدزاده درباره آلبوم ۱۰۰۲ شب نیز گفت که این اثر در سال ۱۳۹۶ و با استفاده از ابزارهای پیشرفته‌تر، کتابخانه‌های صوتی کامل‌تر و امکانات نرم‌افزاری گسترده‌تر ساخته شده است.

خروش مجیدی علیه تحریم و جنگ

حضور مجید مجیدی در اختتامیه بوسان و بیانیه بی‌پرده او، نقطه پیوند هنر بومی و اخلاقی ایران با صحنه بین‌الملل بود

فتاح غلامی
دبیرگروه فرهنگ و هنر

شامگاه ۲۲ مهر در سالن بزرگ مرکز سینمایی بوسان، کره جنوبی، صحنه‌ای رقم خورد که فراتر از یک آیین متداول تشریفاتی در اختتامیه یکی از معتبرترین رویدادهای سینمایی قاره آسیا بود. زمانی که نام مجید مجیدی به‌عنوان برنده جایزه بهترین فیلم برای اثر تحسین‌شده‌اش، «غذای نیمروز»، خوانده شد، سالن برای لحظاتی شاهد ادای احترام به فیلمسازی بود که سینمایش همواره آینه زلال رنج‌ها، امیدها و کرامت انسانی محرومان بوده است. اما آنچه تالار سینمایی بوسان را در بهت و سپس تشویقی ممتد فرو برد، نه صرفا درخشش یک اثر هنری، که بیانیه شفاف، کوبنده و بدون لکنت هنرمندی بود که تریبون جشنواره بین‌المللی را به سنگر دفاع از موجودیت، شرف و مقاومت مظلومانه کودکان یک ملت تبدیل کرد.

مجیدی روی صحنه رفت و درحالی‌که تندیس افتخار را در دست داشت، بدون تعارف‌های رایج محافل هنری، به طور مستقیم به ظلم کشورهای غربی اشاره کرد که دهه‌هاست بر گرده ملت ایران سنگینی می‌کند: «۴۸ سال است که مردم ایران تحت شدیدترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌های اقتصادی و دارویی قرار دارند؛ اما هرگز تسلیم نشدیم و سر خم نکردیم. وقتی دیدند این ملت اصیل و نجیب با فشار اقتصادی و بستن مسیر دارو به زانو درنمی‌آید، دست به وحشیانه‌ترین حملات نظامی زدند.» مجیدی سخنان پرحرارت خود را با تقدیم این جایزه به «مردم شجاع و صبور ایران» پایان داد؛ نطقی حماسی که پیام ایستادگی ایرانیان را بی‌واسطه به جهان مخابره کرد و نشان داد سینمای اصیل ایرانی حتی در میان آتش و باروت نیز رسالت تاریخی خویش را از یاد نمی‌برد.

از سنگر هنر تا واقعیت میدان؛ خشم از یک استقامت تاریخی

نطق مجیدی در بوسان ناظر به یک پیشینه تاریخی ۴۸ ساله و تجلی اراده ملی در برابر خصومت‌های مکرر است. اشاره او به تبدیل تحریم‌های گسترده دارویی و اقتصادی به حملات نظامی بی‌امان، ناظر به دو تهاجم گسترده اخیر است: جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و به دنبال آن تهاجم تجاوزکارانه ۴۰ روزه ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی و زیرساخت‌های زیستی و انسانی ایران.

طراحان این تجاوزهای کور تصور می‌کردند با ویران‌کردن ساختارها و وارد آوردن ضربات مرگبار به جامعه مدنی، روحیه ملی ایرانیان را در هم خواهند شکست، اما ایستادگی مردم پاسخی قاطع به این وهم راهبردی داد. زمانی که ماشین جنگی دشمن دریافت مقاومت ایران از سنخ معادلات مرسوم تسلیم‌پذیری نیست، پرده از چهره برداشت و کارزار ترور و جنایت علیه بشریت را علیه غیرنظامیان به‌راه‌انداخت؛ کارزاری که در آن نه نخبگان و ورزشکاران امنیت داشتند و نه حتی کودکان دبستانی در دورافتاده‌ترین شهرهای کشور.

فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب؛ ننگی بر پیشانی آمریکا

یکی از سیاه‌ترین صفحات این تهاجم که سخنان مجیدی و موج اعتراضات جامعه هنری جهان را جهت داد، جنایت موشکی صبح روز نهم اسفند به دبستان و پیش‌دبستانی دخترانه «شجره طیبه» در شهر میناب بود. اصابت مستقیم موشک‌های متجاوزان به این مرکز آموزشی، در کمال ناباوری و قساوت، به شهادت بیش از ۱۵۰ دختر خردسال دانش‌آموز و آموزگاران بی‌دفاع آنان انجامید و بیش از ۹۰ کودک دیگر را نیز به‌شدت مجروح و نقص عضو کرد. تصویر کیف‌ها و کتاب‌های خون‌آلود دانش‌آموزان خردسال روی تلی از بتن و خاکستر، همان نقطه‌ای بود که نقاب دروغین «حملات نقطه‌زن» و ادعاهای واهی «حقوق بشری» متجاوزان را برای همیشه پاره کرد. این اقدام شنیع، که حتی از سوی گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد به‌عنوان مصداق بارز و محرز جنایت جنگی قلمداد شد، در کنار ترورها و هدف قرار دادن مربیان و قهرمانان ورزشی و دانشمندان هسته‌ای کشور، ماهیت ضدانسانی این تجاوز را در پیشگاه وجدان عمومی جهان برملا کرد.

> **جامعه سینمایی ایران در اتحادی کم‌سابقه، به یک جبهه واحد در دفاع از تمامیت ارضی، حریم وطن و سوگواری برای قربانیان تبدیل شد و از همان روزهای آغازین جنگ، چهره‌های شاخص سینما، به میدان آمدند**

شکستن سکوت؛ همبستگی سینماگران جهانی با مردم ایران

اگرچه دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب کوشید تا این فجایع را در لابه‌لای واژه‌سازی‌های جنگی بپوشاند یا با سکوتی معنادار از کنارش بگذرد، اما وجدان بیدار جامعه جهانی سینما نتوانست در برابر این بربریت آشکار سکوت کند. پس از واقعه دردناک مدرسه میناب و تداوم موشکباران ۴۰ روزه، جبهه‌ای بین‌المللی از سینماگران و هنرمندان نام‌آشنا تشکیل شد که با شکستن بایکوت‌های رسانه‌ای، با صدایی رسا جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی را محکوم کردند و کنار مردم ایران ایستادند:

در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، شماری از چهره‌های شناخته‌شده سینمای جهان با انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی، گفت‌وگوهای رسانه‌ای و حضور در مراسم هنری، به حملات نظامی و کشته‌شدن غیرنظامیان، به‌ویژه دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه میناب، اعتراض کردند.

خاویر باردم، بازیگر برنده اسکار، با انتشار مطالبی درباره حمله به ایران، خواستار آگاه‌شدن افکارعمومی جهان از این فاجعه شد. او همچنین با حضور در مراسم اسکار ۲۰۲۶ و استفاده از نمادهای اعتراضی، شعار «نه به جنگ، فلسطین زنده‌باد» را سر داد. سجا کیلانی، بازیگر اردنی فیلم «صدای هند رجب» نیز با تأکید بر ضرورت آتش‌بس دائمی، به بمباران ایران، فلسطین، لبنان و ونزوئلا اعتراض کرد.

الیور استون، کارگردان آمریکایی فیلم «جوخه» با انتقاد از سیاست خارجی واشنگتن، جنگ علیه ایران را در امتداد الگوی مداخلات نظامی آمریکا دانست و گفت این کشور از تجربه جنگ ویتنام درس نگرفته است.

در حوزه اعتراض به استفاده تبلیغاتی از آثار سینمایی و شخصیت‌های بازی‌های رایانه‌ای، استیو داونز، صداپیشه شخصیت مستر چیف در مجموعه «هالو»، استفاده از صدای خود در یک ویدئوی تبلیغاتی جنگ را محکوم کرد. بن استیلر نیز خواستار حذف بخش‌هایی از فیلم «تندر استوایی» از محتوای تبلیغاتی کاخ سفید شد و تأکید کرد که جنگ، فیلم سینمایی نیست.

سوزان ساراندون، لورا هرینگ و جیمی لی کرتیس نیز با پیام‌هایی جداگانه به حمله به مدرسه میناب و کشته‌شدن دانش‌آموزان اعتراض کردند. هرینگ با اشاره به تناقض میان ادعاهای آمریکا درباره آزادی زنان ایرانی و بمباران مدرسه‌ای پر از دختر، این رویکرد را به چالش کشید.

در میان دیگر چهره‌ها، مارک رافالو خواستار مخالفت کنگره آمریکا با ادامه جنگ شد و جین فوندا، بازیگر برنده اسکار و مخالف پیشین جنگ ویتنام، در تجمعی اعتراضی در لس‌آنجلس، جنگ علیه ایران را محکوم کرد. او هشدار داد که این درگیری می‌تواند به جنگی گسترده‌تر منجر شود و خواستار اختصاص منابع عمومی به آموزش، مسکن و خدمات درمانی به‌جای جنگ شد.

جان کیوسک، رزی اودانل و جیمی کیمل نیز با انتقاد از دونالد ترامپ، درباره انگیزه‌های سیاسی جنگ و فاصله‌گرفتن او از وعده‌های انتخاباتی‌اش درباره پایان‌دادن به جنگ‌ها اظهارنظر کردند. وانسا وسکز، نیکول جنس و لیام کانینگهام هم در پیام‌هایی به کشته‌شدن غیرنظامیان و دانش‌آموزان ایرانی واکنش نشان دادند.

در کنار این اعتراض‌ها، کری کون با انتشار پیامی کوتاه به تغییر عنوان وزارت دفاع آمریکا به «وزارت جنگ» کنایه زد و رابین مونوتی، فیلمساز فرانسوی، نیز درباره پیامدهای سیاسی و اعتقادی جنگ اظهارنظر کرد. آئیدا سوبولووا، روزنامه‌نگار و مستندساز روسی و پژوهشگر فرهنگ ایران هم با ابراز نگرانی از آسیب‌دیدن میراث فرهنگی کشور، درباره خطر حمله به آثار تاریخی و بناهای ارزشمند ایران هشدار داد.

مجموع این واکنش‌ها نشان می‌دهد که اعتراض به جنگ علیه ایران در میان بخشی از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی جهان، از محکومیت کشتار کودکان و غیرنظامیان تا مخالفت با تبلیغات جنگی و انتقاد از سیاست خارجی آمریکا گسترده بوده است.

صف‌آرایی اهالی سینمای ایران سینما به مثابه سند مظلومیت

در داخل کشور نیز تجاوزهای نظامی تحمیلی شکاف‌های مرسوم و خط‌کشی‌های صوری را یکسره کنار زد. جامعه سینمایی ایران در اتحادی کم‌سابقه، به یک جبهه واحد در دفاع از تمامیت ارضی، حریم وطن و سوگواری برای قربانیان تبدیل شد. از همان روزهای آغازین جنگ ۱۲ روزه و تداوم آن در نبرد ۴۰ روزه، چهره‌های شاخص سینما، از مستندسازان و بازیگران گرفته تا پیشکسوتان کارگردانی، به میدان آمدند. تجمع بزرگ اهالی هنر و تئاتر در برابر دفتر سازمان ملل و یونیسف در تهران، فریادی بود در اعتراض به انفعال نهادهای حقوق بشری در قبال جنایات متجاوزان.

سینماگرانی که سال‌ها در سنگر فرهنگ راوی هویت، آلام و درخشش‌های انسانی این مرزوبوم بودند، این بار قلم و دوربین خود را به اسنادی زنده از مقاومت ملی تبدیل کردند. بسیاری از سینماگران و اهالی رسانه در این روزها دوربین و قلم خود را زمین گذاشتند و به یاری ناجیان هلال احمر آمدند؛ آنها این‌گونه نقش خود را در میدان هنر و رسانه ایفا کردند. در واقع، داغ هدف قرار گرفتن ورزشکاران، چهره‌های مدنی و به‌ویژه فروریختن سقف مدرسه میناب بر سر ده‌ها نوگل بی‌گناه، سینمای ایران را به این آگاهی تاریخی رساند که در هنگام هجوم اهریمن به کیان کشور، هر هنرمندی در برابر ثبت حقیقت و مرهم نهادن بر زخم‌های مردمش مسئول است.

> **جایزه بهترین فیلم جشنواره بوسان برای غذای نیمروز، بی‌تردید یک دستاورد بزرگ در کارنامه سینمای معاصر ایران است؛ اما فراتر از آن، نطق حماسی و ایستادگی مجیدی، تریبون بوسان را به دادگاه رسوایی کسانی بدل کرد که از جنایت آمریکا حمایت می‌کردند**

صدای طبل رسوایی جنگ‌طلبان در بوسان

حضور مجید مجیدی در اختتامیه بوسان و بیانیه بی‌پرده او، نقطه پیوند هنر بومی و اخلاقی ایران با صحنه بین‌الملل بود. مجیدی با ردای افتخاری که از سینمای ناب و ریشه‌دار ایران بر تن دارد، در مقابل دوربین رسانه‌های معتبر جهان یادآوری کرد که ریشه این تجاوزها نه در ادعاهای موهوم رسانه‌های مسلط، بلکه در خشم استکبار جهانی از تسلیم‌ناپذیری ۴۸ ساله ملتی است که حتی زیر سنگین‌ترین فشار اقتصادی و بایکوت‌های ضدبشری، دست از حاکمیت ملی و شرف خود برنمی‌دارد.

جایزه بهترین فیلم جشنواره بوسان برای غذای نیمروز، بی‌تردید یک دستاورد بزرگ در کارنامه سینمای معاصر ایران است؛ اما فراتر از آن، نطق حماسی و ایستادگی مجیدی، تریبون بوسان را به دادگاه رسوایی کسانی بدل کرد که در سودای به تسلیم کشاندن یک تمدن چندهزارساله، کارشان به بمباران مدارس و کشتار کودکان کشیده است. پیامی که از بوسان صادر شد، یک عبارت ساده اما تغییرناپذیر بود: «ایران، تا آخر ایستاده است.»

یادداشت

دکتر محمدهادی همایون | استاد دانشگاه

سیمرغ، اسطوره وحدت ایرانیان

در روایت (جامع‌الاخبار، ج۱، ص ۱۲۶) از وجود مقدس پیامبر اعظم(ص) کوه قاف به نحوی تصویر شده که برای امروز ما پیامی بسیار عجیب و مهم دربردارد. عرض و دامنه این کوه هزار سال از جنس یاقوت سرخ است و میانه آن از نقره سفید و قله آن از زبرجد سبز. بر آن در سه سطر اذکاری نوشته شده که وجه مشترک همه آن در لفظ جلاله الله است. پرچم سه‌رنگ ما با همین ترکیب و با همین نقش در میانه، همان قله‌ای بود که امام شهید خبر نزدیک بودن به آن را داده بودند و در شب شهادت ایشان و آغاز بعثت مردم با برافراشته شدن پرچم‌ها در خیابان، بر فراز آن قرار گرفته و آن را فتح کردیم. ایرانیان در بعثت خود بالاخره به قله رسیدند و قاف را تحقق عینی دادند. قله قاف همانی است که در منطق‌الطیر عطار مقصد سفر پرماجرای مرغان بیان شده است. مرغان که سایه و تجلی پرواز روح مؤمنان در عالم دنیایند، مجمعی شکل دادند و با خود اندیشیدند که ما چرا پادشاهی نداریم و پادشاه ما کجاست؟ هدهد که در این داستان و با تأسی به ماجرای سلیمان نبی به‌عنوان پیک غیب معرفی می‌شود و در آن نقل قرآنی هم نقش مهمی در اسلام آوردن یمنیان دارد، در مقام راهنمایی و پاسخ به‌عنوان رهبر و مرشد آنان برمی‌آید. او که به تعبیر خودش همواره در پی آب است و حقیقت آب چیزی جز امام نیست، زبان به شکوه می‌گشاید که من همواره در تعجب بودم از بی‌طلبی شما و ناتوان بودم از طی این مسیر به تنهایی. اکنون اگر شما مرد راه هستید، همت کنید تا این مسیر سخت را با هم بپیماییم. ما پادشاهی داریم سیمرغ نام که او را جایگاه در کوه قاف و قله آن باشد. نام او سیمرغ سلطان طیور/ او به ما نزدیک و ما زو دور دور. سیمرغ در لسان برخی اهل ادب و عرفان با ققنوس یکی دانسته شده که هر یک جلوه‌ای از این پرنده اساطیری را برجسته می‌کند. ققنوس نیز در مسیری هزارساله، به اندازه همان عرض قله قاف، عمر را می‌پیماید و در پایان با آتش زدن خود، عمری دوباره را با جوانی از سر می‌گیرد. در مسیر پربهجت انقلاب اسلامی و سفر پررمز و راز مرغان آخرالزمان، از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضدمردمی بعث و با توهم جنگی چندروزه و به‌دست آوردن پیروزی‌ای کم‌زحمت افروخته شده بود، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، ققنوس‌وار برخاست، با صدایی رساتر و پروازی بلندتر از سابق و این خصلت مستمر این نظام در حوادث دشمن‌ساخته بعدی شد... آن ققنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اول برآمد، اینک در اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آنچنان بزرگ شده که سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در داستان عطار، مرغان در پی هدهد، مسیر هفت وادی را آغاز کرده و یکی‌یکی در سختی‌های راه و با ناتوانی برخاسته از تعلقات‌شان به دنیا از ادامه مسیر بازمی‌مانند. یکی را عشق به گل از حرکت بازمی‌دارد، دیگری را آرزوی جاودانگی از بال می‌اندازد و دیگری حتی به تعلق یاد بهشت، بر زمین می‌نشیند. در این طریق مردافکن سرانجام سی مرغ به قله می‌رسند. مدتی شد تا در این راه آمدیم/ از هزاران سی به درگاه آمدیم

سی مرغ خسته در قله، حیران به‌دنبال سیمرغ می‌گردند و چون او را نمی‌یابند پریشان و زار می‌شوند؛ تا سرانجام هاتفی آنان را متوجه می‌کند که سیمرغ خود شمایید. هم ز عکس روی سی مرغ جهان/ چهره سیمرغ دیدند از جهان/ چون نگه کردند آن سی مرغ زود/ بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود و آنان از این تبیین حیران‌تر می‌شوند و باز می‌شنوند که این پایان ماجرا نیست.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

تجسمی

افتتاح نمایشگاه «طریق شکسته ۲»

نمایشگاه «طریق شکسته ۲» باهدف ارائه آثار هنرجویان دوره فوق‌ممتاز و نمایش ظرفیت‌های هنری خط شکسته‌نستعلیق، روز گذشته (۲۴ مهرماه) در نگارخانه رها افتتاح شد. محمد مسیبی از مدرسان انجمن خوشنویسان ایران در رشته خط شکسته‌نستعلیق و از شاگردان برجسته محمد حیدری است. در این نمایشگاه آثاری از زینب اسلامی‌نسب، سیدمهدی بشارت، امیرحسین خیرخواه، رسول ربیعی، فریبا رحمتی، پریسا سیدرضایی، فاطمه عشق‌کار، مریم عبدالله‌زاده، فاطمه فرمند، شکیبا قاسمی، فرزانه کیانی‌رفیع، جواد مشایخ، نسرین سیدنژاد و فاطمه هاشمی به نمایش درمی‌آید. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از آثار این نمایشگاه می‌توانند از آثار این نمایشگاه تا ۲۷ مهر از ساعت ۱۵ تا ۱۸ به نگارخانه رها مراجعه کنند. نمایشگاه طریق شکسته ۲ در تهران، میدان انقلاب، خیابان قدس، خیابان پورسینا، نبش جلالیه، مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، نگارخانه رها برپا می‌شود.

تئاتر

پیش‌فروش بلیت جشنواره عروسکی «تهران-مبارک»

پیش‌فروش بلیت نمایش‌های صحنه‌ای بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک آغاز شد. خبرنگاران و اهالی رسانه می‌توانند با استفاده از کد اختصاصی که از سوی دبیرخانه جشنواره به‌منظور تسهیل فرآیند تهیه بلیت برای آنها ارسال خواهد شد، بلیت نمایش‌های مورد علاقه خود را به‌صورت روزانه از طریق سامانه فوق دریافت کنند. بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک به دبیری پوپک عظیم‌پور تبریزی، از ۲۵ تا ۳۰ مهر در تهران برگزار می‌شود. مراسم افتتاحیه این دوره از جشنواره، روز ۲۵ مهر در محوطه باز مجموعه تئاترشهر برگزار خواهد شد. در همین راستا از علاقه‌مندان، هنرمندان، دانشجویان، استادان و نمایشگران حوزه نمایش عروسکی دعوت شده تا با عروسک‌های خود در مراسم افتتاحیه این رویداد هنری حضور یابند. مراسم اختتامیه بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک نیز روز ۳۰ مهر، در سالن اصلی مجموعه تئاترشهر برگزار خواهد شد.

سینما

فیلم «سرزمین فرشته‌ها» در راه جشنواره آنتالیا

فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» در ادامه حضورهای بین‌المللی خود راهی جشنواره پرتقال طلایی آنتالیا شد. رویکرد امسال این جشنواره بر معرفی فیلم‌ها و فیلمسازانی متمرکز است که در دشوارترین شرایط و به‌ویژه در سایه جنگ، به خلق و تولید آثار سینمایی ادامه می‌دهند. جشنواره بین‌المللی فیلم آنتالیا که با عنوان «جشنواره پرتقال طلایی» نیز شناخته می‌شود، مهم‌ترین جشنواره سینمایی ترکیه و یکی از باسابقه‌ترین رویدادهای سینمایی این کشور به شمار می‌رود. این جشنواره از سال ۱۹۶۴ برگزار می‌شود و در طول بیش از شش دهه فعالیت، به یکی از رویدادهای مهم سینمایی منطقه و بستری برای معرفی و نمایش آثار سینمایی از کشورهای مختلف تبدیل شده است. شصت‌وسومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم آنتالیا از دوم تا نهم آبان ۱۴۰۵ در شهر آنتالیا برگزار خواهد شد. سرزمین فرشته‌ها پیش از این در جشنواره کازان روسیه و جشنواره سلیمانیه عراق حضور داشته و همچنین به‌تازگی به‌عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۷ معرفی شده است.

رویداد

برگزاری فستیوال پیانو کنسرواتوار تهران

هشتمین فستیوال پیانو کنسرواتوار تهران با هدف شناسایی، حمایت و معرفی استعدادهای جوان در نوازندگی پیانو برگزار می‌شود. بنابر اعلام روابط عمومی کنسرواتوار تهران، مرحله نخست فستیوال به‌صورت غیرحضوری و از طریق ارزیابی ویدئوهای ارسالی انجام می‌شود و راه‌یافتگان به مرحله نهایی، در اجرای حضوری به رقابت خواهند پرداخت. بهزاد معافی، رئیس کنسرواتوار تهران و مؤسسه آموزش عالی آزاد نهاوند، با تأکید بر اهمیت حمایت از استعدادهای جوان گفت: «فستیوال پیانو فرصتی فراهم می‌کند تا هنرجویان و نوازندگان مستعد در فضایی حرفه‌ای توانایی‌های خود را ارائه کنند و با تجربه حضور در یک رویداد رقابتی، مسیر هنری خود را با انگیزه و شناخت بیشتری ادامه دهند. تلاش ما این است که فستیوال علاوه بر جنبه رقابتی، به بستری آموزشی و انگیزشی برای شرکت‌کنندگان تبدیل شود. در بخش کلاسیک، شرکت‌کنندگان متناسب با گروه سنی و سطح اجرایی خود به اجرای آثار می‌پردازند و بخش‌هایی برای موسیقی ایرانی و پاپ نیز در نظر گرفته شده است.